



مایکل. ون. گسل، معمار منظر
ترجمه: آیدا آل هاشمی
michael@michaelvangessel.com

خوانو فررا نونش، معمار پروژه‌های ماندگار منظر

از هر جزء پروژه است. شعر در معماری منظر نه در آنچه طراحی می‌شود و نه در مؤلفه‌ها و نه حتی در ساختار پروژه، بلکه در چیزی میان این‌ها نهفته است؛ در رابطه میان عناصر، در آنچه که دست‌نخورده باقی مانده، در ناگفته‌ها و فضاهای خالی جای دارد. پروژه‌هایی که این خویشتن‌داری را نشان می‌دهند، به طور آشکاری ساده هستند و چنان با زمینه در آمیخته‌اند که گویی همیشه آنجا بوده‌اند. این پروژه‌ها در طول زمان باقی می‌مانند و ارزش و کارکرد خود را حفظ می‌کنند. یک نمونه خوب از چنین کیفیتی، دامنه تپه قلعه سیلوس (Silves Castle Hillside) است که به عنوان مسیر دسترسی به قلعه عمل می‌کند. عنصر دیگری که کیفیت را نشان می‌دهد، شیوه انتخاب و استفاده از مصالح است. خویشتن‌داری در میزان و نحوه استفاده از مصالح نشانه مهمی در کیفیت است و نونش به خوبی می‌داند که چگونه با روشی مثال‌زدنی به این سمت گام بردارد. نونش، تنوع حداقلی را در مصالح به کار می‌برد، به طوری که مسیری بسیار ساده و مشخص را برای معرفی مصالح در پروژه‌هایش انتخاب می‌کند. کیفیت در این انتخاب، متناسب با بستر و جزئیات کار با آن آشکار می‌شود. مانند یک لباس عالی: پارچه‌ای استثنایی با سبزی متناسب. چنانچه در نگاه اول خیلی پر زرق و برق نیست، کاملاً ساده و محجوب، ولی در نگاه دوم دقیق و پرکار است.

بنابراین، جای تعجب نیست که بحث ما در هیئت داوران این شماره کتاب سال LAE مانند دو همکار بود که یکدیگر را می‌شناسند. ما کاملاً رویکردها و نظریات یکدیگر را تحسین و درک می‌کنیم. در نهایت ملاقات و همکاری با معمار منظر بزرگ در کمیته هیئت داوران کتاب سال معماری منظر اروپا برای من مسرت‌بخش بود ■

مایکل. ون. گسل
۲۰ آگوست ۲۰۱۱ / آمستردام

پی‌نوشت

• برای شناخت بیشتر مایکل. ون. گسل می‌توانید به سایت وی مراجعه کنید:
www.michaelvangessel.com

◀ در ماه می ۲۰۰۲، مرکزی را برای معماری منظر در اروپا (LAE) با هدف ترویج و توسعه معماری منظر تأسیس و با چاپ یک سالنامه نسبت به معرفی و نقد پروژه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با معماری منظر در اروپا (European Landscape Architecture Yearbook). آغاز به کار کردیم. در این مدت (LAE) دو کتاب با عنوان‌های «کار میدانی» (Fieldwork) در سال ۲۰۰۶ و «در سایت» (On Site) در سال ۲۰۰۹ به چند زبان چاپ کرده و مجموعه سوم نیز در سال ۲۰۱۲ منتشر می‌شود.

برای هر کتاب کمیته‌ای منتخب از گروه وسیعی از معماران منظر حرفه‌ای در سرتاسر اروپا انتخاب می‌شد. پس از اعلام عمومی برای دریافت پروژه، کمیته به انتخاب نقادانه و هدفمند از میان نمونه پلان‌های ورودی می‌پرداخت و در نهایت حدود ۴۰ کار از میان پروژه‌های دریافتی انتخاب می‌شد. کمیته بعضاً عناوینی را برای مقالات در طول روند داوری پروژه‌ها، پیشنهاد می‌کرد. امسال من رئیس کمیته و خوانو نونش یکی از اعضای کمیته داوری بود. این فرصتی بود که من «خوانو» را از نزدیک و به مدتی طولانی ملاقات کنم. پیش از این من فقط او را یک بار و به مدتی کوتاه در بارسلونا دیده بودم، جایی که هر دو برای دفاع از پروژه‌هایمان که نامزد دریافت جایزه «روزا باربا» (Rosa Barba Prize) در سال ۲۰۰۹ شده بودند، حضور یافته بودیم. ولی من، از آنجا که رئیس کمیته داوران برای هر سه کتاب بودم با کارهای نونش برای سال‌ها آشنایی داشتم (در این سه دوره رئیس ثابت بود و اعضای کمیته داوران تغییر می‌کرد). من در طول این سه سال پروژه‌های متعددی را دیدم، ولی کارهای نونش غیرقابل مقایسه با دیگران و کیفیتشان واضح بود. جای تعجب نیست که تصویر پروژه پارک سبز موندوگو (Mondego Green Park) اثر نونش در کویمبرا (Coimbra) بر روی جلد کتاب «در سایت» به چاپ رسید. این پروژه نقطه اوجی در آثار نونش است. پروژه‌های وی، قابل درک، محکم و عین حال متین و شاعرانه هستند؛ بدون هیاهو، جلوه‌گری، تزئین بیهوده و طراحی بیش از حد. همه چیز در ارتباط با فضا، مکان و بستر طرح است.

در تعریف، معماری منظر باید پای در زمین داشته و به این ترتیب زمینه‌گرا باشد. هر مکانی از یک سو مجموعه امکانات و محدودیت‌ها و از سوی دیگر، الهام‌بخشی‌های ویژه خود را دارد. پروژه خوب، پروژه‌ای است که مشتاقانه به بستر گوش فرا دهد و به دنبال کیفیت‌های پنهان و کشف پتانسیل‌های ناشناخته آن باشد. خوانو نونش و دفترش دقیقاً همین کار را انجام می‌دهند. به این ترتیب، هر پروژه در عین اینکه مانند دستکشی متناسب با زمینه‌اش است، چیزی جدید را نیز به مکان می‌افزاید. از این رو پروژه به دور از مکان و تمنای افراد عالی رتبه رشد می‌کند و به سخن می‌آید. سنتزها بسیار فراتر



سید امیر منصوری، دکتری
مطالعات شهری با تخصص
معماری منظر
seyedamir.mansouri@gmail.com

نوش معمار منظر زمین سار^۱

قلمرو خویش بر کوههایی حک کرده‌اند که جایگاه قدسی آن در فرهنگ عامه پذیرفته شده باشد. «نقش رستم»، «تاق بستان» و «چشمه علی» ری از نمونه‌های این گروه از مظاهر زمین در حیات معنوی و تمدن انسانی است. معماری منظر زمین سار، عنوانی است که گویای رویکرد دقیق و ژرف‌نگر نوش به زمین و مفهوم سیال آن در ذهن انسان است.

در خاور دور، باغ‌های سنگی، به مثابه جوهری از جواهر اساسی طبیعت و مظهر وجود، گونه دیگری از توجه به زمین است. صخره، سنگ، شن و خاک اقسام زمین است که با تعریف فرهنگ تائوئیستی از طبیعت و زمین، روح مقدسی می‌یابند و در فضاسازی‌های آئینی و باغ‌های چینی و ژاپنی جلوه‌گری می‌کنند. در ادبیات اسطوره‌ای ملل نیز توجه به کوه‌های افسانه‌ای و موجودات خیر و شری که در دل کوه زندگی می‌کرده‌اند حاکی از جایگاه پراهمیت "زمین" در ذهن انسان‌های هر دوره بوده است. خوانو نوش اما، در عصر حاضر به زمین نگاهی دیگرگونه دارد؛ نه آن را به مثابه ابزاری تزئینی در حد توجه به گونه‌گونی‌ها و تنوعات شکلی و رنگی دستاویز طراحی و تزئین فضا قرار داده، و نه درصدد احیای مفاهیمی اسطوره‌ای و باستانی در عصر مدرن و حاکمیت تعقل برآمده است.

نوش قرانت جدیدی از زمین به دست داده است؛ تعبیری که زمین، در صورت تاریخی و بکر خود، زمینه‌ساز تولید زیبایی صوری و ذهنی است. زیبایی صورت با بهره‌گیری از تنوع بصری و فضایی تأکید بر برجستگی‌های آن دارد و زیبایی ذهنی با ارجاع به خاطره ذهنی و تاریخی نوع انسان از زندگی در بستر طبیعت بی‌پیرایه اشاره دارد. خاطره‌ای ازلی که یادآور حال انسان تنها در دل طبیعت بکر است؛ حالی که به تعبیر حافظ در خروج از شهر و تماشای صحرا دست می‌دهد. زمین در این نقش، عنصری باز یافته است که زمینه اصلی طراحی منظر را به وجود می‌آورد؛ زمین دیگر حاشیه نیست، متن است. ■

سید امیر منصوری

۱۲ شهریور ۱۳۹۰ / تهران

پی‌نوشت

زمین سار، به معنی آنچه در زمین ساری و جاری است. آنچه در زمین سرایت کرده و با زمین سرایت می‌کند. زمین سار، منظر است که زمین و حالات و بازیگری‌های آن نقش اصلی را در منظرسازی بازی می‌کند.

همایش زیباشناسی منظر شهری که در روزهای ۲۰ الی ۲۲ تیرماه ۱۳۹۰ توسط سازمان زیباسازی شهر تهران و پژوهشکده نظر برگزار شد، فرصت خوبی برای گفتگو با «خوانو نوش»، معمار منظر پرتغالی بود. وی در گزارش خود در سمینار به دو موضوع اساسی اشاره کرد که جایگاه وی را از متخصصی حرفه‌ای به یک هنرمند نظریه‌پرداز و خلاق ارتقا می‌دهد.

نوش به پدیده زمان به عنوان عنصر اساسی و تداوم بخش، معنا، مفهوم و هویت یک پدیده در طول حیات آن اشاره کرد و در مقاله‌ای که به این منظور تنظیم کرده بود، زمان را، آنچنان که در فیزیک و فلسفه امری اعتباری شمرده می‌شود، تعبیر ما از روند تغییرات "پدیده" تفسیر کرده بود؛ و با اتکا به آن تعبیر، حیات یک "پدیده" و در اینجا یک "منظر" را امری جاری دانسته بود که از مجموع حوادث قدیمی‌تر آغاز می‌شود، تا امروز تداوم پیدا می‌کند و در دوره‌های بعد از ما نیز دوام خواهد یافت. این تعبیر از ماهیت "منظر" موجب گردید تا خصوصیت سیال، اجتماعی و عینی-ذهنی آن در چارچوب نظریه زمان توسط نوش در پروژه‌ها بازتاب داشته باشد.

نکته دیگری که نوش مطرح کرد، "منظر زمین سار" بود؛ منظری که فضاسازی، منظره‌پردازی، تنوع و فیزیک خود را از زمین بدست می‌آورد. منظر زمین سار، تعبیری است که برای تمرکز پروژه‌های نوش بر شکل زمین و اغراق در توپوگرافی بدست می‌آید. در پروژه‌های میلان و بیروت، نوش که طراحی فضای جمعی در بافت شهری است، در عرصه‌ای که گذر زمان آنها را به زمینی تخت و بدون عارضه بدل کرده، نوش با تأکید بر "شکل زمین طبیعی"، به بازآفرینی فرم سیال و خارج از زمان "زمین" روی می‌آورد. در این رویکرد، زمین از "عرصه تخت" به "پهنه موج" بدل می‌شود که برجستگی‌های آن، کارکردهای مختلف تقسیم فضا، استقرار کاربری‌ها، کریدورهای دید و منظر، دالان‌های جریان هوا، ایجاد سایه و امثال آن را پشتیبانی می‌کند؛ در حالی که عنصر اصلی منظر "زمین" است که در رویکردی به دوران اولیه خود، مداخله‌های تخت‌کننده انسانی را کنار گذاشته و صورت بکر و طبیعی خود را با برجستگی‌ها و تأکید بر "ناهمواری‌ها" به جای "تسطیح" باز می‌یابد.

این حد از توجه به ویژگی‌های توپوگرافیک زمین در آثار نوش، بی‌تردید خاص اوست. در تاریخ منظرسازی، ایرانیان به کوه‌های مقدس همچون کوه رحمت (مهر) شیراز و دالاهو در بیستون و بسیاری نقاط دیگر سرزمین آریاییان توجه خاص داشته‌اند. کاخ‌های خود را همچون تخت جمشید و «تخت طاووس» در دل آنها با تراش کوه برپا کرده‌اند یا نقش اعتقادات و قهرمانی‌های خود را همچون بیانیه حکومت در سرزمین‌های